خراسان شمالی

روزنامه خراسان شمالی: گروه چهارم نشریات
روزنامه سیاسی،اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی خراسان شمالی
پنج شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۰
۲۷ ذی القعده ۱۴۴۲. شماره ۳۵۹۶

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: علی ولی‌زاده
دفترمرکزی: مشهد،بلوارشهیدصادقی(سازمان‌آب)

صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱
نمابر دبیرخانه: ۳۷۶۲۴۳۹۵-۰۵۱
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹ چاپ:شهرچاپ‌خراسان

آدرس: بجنورد،خیابان طالقانی غربی،خیابان صمدیه لباف، صمدیه لباف ۱۶، کوچه دوم، پلاک ۹
تلفن اشتراک: ۳۲۲۳۰۰۷۱
کدپستی: ۹۴۱۵۹۵۶۵۹۶
دفترمرکزی پذیرش آگهی: ۳۲۲۴۵۰۰۵

تحریریه: ۳۲۲۴۷۲۲۲-۳۲۲۲۲۲۱۱
نمابر: ۳۲۲۴۷۲۲۳
مسئول تحریریه: ۳۲۲۳۰۰۲۸
تلفن ونمابرسرپرست: ۳۲۲۳۰۰۱۴

حوادث

خبر

۷ شیروانی، مصدوم گلوله اختلافات قومی

اختلافات ریشه دار در روستای ملاباقر باعث درگیری مسلحانه و مصدومیت ۷ تن از اهالی و با دخالت نیروی انتظامی آتش این درگیری خاموش شد. البته در این حادثه یک سرباز نیروی انتظامی بی نصیب نماند و مجروح شد. گزارش خبرنگار ما حاکی است: ۱۰ تن از عوامل این درگیری با سلاح گرم (کشف ۲ قبضه اسلحه) دستبند قانون خوردند. هنوز پلیس در تعقیب یک نفر از فراری های این ماجراست.

در این خصوص، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی خراسان شمالی از وقوع درگیری مسلحانه بین تعدادی از اهالی یکی از روستاهای شیروان و مصدومیت ۷ نفر خبر داد.سرهنگ «نامور» با اعلام این که ۱۰ نفر از عوامل این درگیری دستگیر شده اند و تلاش برای دستگیری یک نفر که فراری است، ادامه دارد، تاکید کرد: ۲ قبضه سلاح از دوطرف این درگیری کشف و ضبط شده است.

در راهروی دادگاه خانواده

کبریت خسیسی بر زندگی عروس و داماد

تزیینی

صدیقی- زندگی یک زوج جوان به خاطر رفتارهای عجیب داماد در آستانه جدایی قرار گرفت. مرد جوان که در دوران نامزدی حتی از خرید یک شارژ ۲ هزار تومانی برای نامزدش خودداری می کرد و آن را وظیفه پدرش می دانست با ادامه این کار همسرش را ناراحت و راهی دادگاه خانواده کرد.

بنا بر اظهارات زن جوان ماجرا از این قرار است که سنگ بنای ازدواج زوج جوان از سوی خانواده ها به شکل سنتی گذاشته شد. خانواده دختر بدون تحقیقات لازم بنابر آشنایی قدیمی جواب مثبت به خواستگار می دهند. دختر جوان زمانی که با خوشحالی لباس عروس پوشید اصلا خبر نداشت پای سفره عقد با مردی می نشیند که حساب و کتابش پراز خطاست. داماد جوان طرز فکر عجیبی داشت و به جای ثبت لحظات خوش و خرید کادو مدام بر طبل خساست می کوبید و می گفت: هزینه تفریح و سایر کارها در دوران نامزدی بر عهده پدرزن است. اولین شوک را داماد جوان روزی که با نامزدش به بازار رفته بودند، به عروس وارد و زمان بازگشت به خانه موقع پرداخت کرایه تاکسی فقط هزینه خودش را پرداخت می کند و بعد از آن منتظر پرداخت بقیه کرایه از سوی نامزدش می شود که این ماجرا عروس را میخکوب می کند. کشمکش بین زوج جوان از آن لحظه به بعد آغاز و زندگی آن ها وارد چالش جدی می شود. عروس جوان دل شکسته می گوید: من خوش خیال فکر می کردم با یک مرد روشن فکر ازدواج کرده ام چون ظاهر همسرم این را نشان می داد اما بعد فهمیدم ظاهرش با باطنش از زمین تا آسمان فرق می کند. در دوران نامزدی روزی موقع بازگشت به خانه نامزدم با رفتار نامتعارفش برای پرداخت نکردن کرایه تاکسی به من شوک وارد کرد و گیج شده بودم که این کار شوهرم از سر شوخی بود یا جدی. مدام با خودم می گفتم شاید این کار را برای شوخی ماندگار انجام داده است اما این خیال واهی بود. روزی چند بار از نامزدم تقاضای خرید یک شارژ ۲ هزار تومانی کردم اما هر بار او به بهانه ای طفره رفت و من به خیال این که شاید مشتری زیاد دارد، جدی نگرفتم. روزی که با دوستم و نامزدم برای تفریح بیرون رفته بودیم هنگام حساب کردن هزینه خوراکی ها در کمال تعجب او از من تقاضای کارت عابر بانکم را کرد. وقتی فهمید از این کارش متعجب شده ام، پاسخ داد که در دوران نامزدی او وظیفه ای در قبال تامین هزینه هایم ندارد و این کار وظیفه پدرم است، بعد از شنیدن این جملات نمی دانستم چه واکنشی نشان بدهم. مدتی با او قهر کردم اما با پادر میانی بزرگ ترها آشتی کردم. با اصرار خانواده ها برای حل مشکلات، زندگی مشترک مان را زیر یک سقف آغاز کردیم اما اوضاع بهتر نشد و چهره واقعی همسرم بیشتر از قبل نمایان شد. همسرم با رفتارهای زننده اش هر بار من را بیشتر حیرت زده می کرد و حتی می گفت که اگر هفته ای بیش از یک بار به خانه پدرم بروم باید هزینه آن را پدرم پرداخت کند.

هر چقدر سعی می کردم خودم را کنترل کنم و همسرم را سر عقل بیاورم اما بی فایده بود. همسرم با رفتارهای بچگانه اش مرا نزد همه به خصوص خانواده ام خجالت زده می کرد و ماجرای زندگی مشترک مان نقل محافل شده بود. هر بار که به خاطر رفتارهای دور از عقل و انصاف همسرم با حالت قهر خانه را ترک می کردم اما دوباره با پا درمیانی بزرگ ترها به خانه بر می گشتم. کاش در همان دوران نامزدی از خواب غفلت بیدار می شدم تا این روزهای حقیرانه را تجربه نکنم. همسرم اصرار داشت به خاطر این که خانه ما متعلق به پدرش است، دستورات او را اجرا کنم تا مبادا دلخوری پیش بیاید و مجبور شویم خانه اجاره کنیم. بعد از گذشت یک سال از زندگی مشترک مان وقتی دیدم رفتار زشت و خساست همسرم اصلاح نمی شود، صبرم لبریز شد و به دادگاه خانواده آمدم تا هر چه زودتر از این زندگی خلاص شوم.

صدیقی

از گذشته عبرت نگرفت و می خواست مشکل اش را با یک اشتباه بزرگ تر حل کند و به اصطلاح از چاله درآمد و در چاه افتاد. بعد از تجربه کارهای متفرقه و بیکاری وارد کار مالخری اموال مسروقه شد و زندگی مشترکش را به سمت نابودی کشاند. می خواست با پول مالخری و دزدی برای دخترش جهیزیه بخرد اما از عاقبت کارش خبر نداشت. مستاصل شده است، از دختر تازه عروسش شرم دارد و پشیمانی برایش سودی ندارد. به گفته خودش تاوان اشتباهش، زندان است. در ادامه گفت و گوی مان را با مرد زندانی ۴۷ ساله مالخر می خوانید.

به چه جرمی زندانی شدی؟

به جرم مالخری اموال مسروقه زندانی شدم.

آیا متاهلی و فرزند داری؟

متاهل هستم و ۲ فرزند دارم، به خاطر تهیه جهیزیه دخترم مجبور شدم دست به چنین کار زشتی بزنم.

آیا سواد داری؟ شغل ات چه بود؟

تا مقطع سیکل بیشتر درس نخواندم چون توان مالی خانواده ام به من اجازه ادامه تحصیل را نمی داد. قبل از زندانی شدن مدتی در یک نانوایی مشغول به کار و بعد فروشنده سیار تره بار شدم. البته مدتی هم در قهوه خانه کار کردم اما هیچ کدام درست از کار درنیامد و به بن بست خوردم.

آیا اعتیاد و سابقه کیفری داری؟

به شکل تفننی مواد مصرف می کردم و یک بار به جرم مالخری دستگیر و چند ماه زندانی شدم.

وضعیت مالی خانواده ات قبل از ازدواج تو چگونه بود؟

وضعیت مالی خوبی نداشتیم. هنوز کوچک بودم که پدرم فوت کرد و مادرم با کار در خانه های مردم و البته حمایت کمیته امداد و بهزیستی خرج زندگی مان را به سختی می داد. حسرت خیلی از چیزها از قبیل خورد و خوراک و پوشاک خوب و تفریح به دلم ماند. چون پول نداشتیم لباس بخریم بچه کوچک تر خانواده مجبور بود لباس برادر و خواهر بزرگ تر را بپوشد. با هزار زحمت و قرض و بدهی توانستم ازدواج کنم.

چرا به سمت مالخری رفتی؟

بعد از این که بچه هایم بزرگ شدند دچار مشکلات مالی زیادی شدم. برای پیدا کردن کار از شهرستان به تهران رفتم و در آن جا در یک قهوه خانه با کمک یکی از آشنایانم مدتی مشغول به کار شدم، اما بعد از شیوع کرونا کسب وکارمان از رونق افتاد و قهوه خانه تعطیل شد. بعد از آن که بیکار شدیم با دوستم که وانت بار داشت در یک خیابان به صورت سیار به فروش تره بار اقدام کردیم. درآمدش بد نبود اما این بار شهرداری مانع کارمان شد و ما را از آن خیابان بیرون کرد و دوباره بیکار شدیم. دخترم تازه نامزد کرده بود و باید برایش جهیزیه تهیه می کردم و به خاطر بیکاری بدجور فکرم مشغول و اعصابم به هم ریخته بود. از طرفی همسرم که از چیزی خبر نداشت مدام پیغام می داد که برایش پول بفرستم تا برای دخترمان به شکل قسطی جهیزیه بخرد. این ماجرا ادامه داشت تا این که دوستم به واسطه یکی از سارقان به من پیشنهاد داد وارد کار مالخری اموال سرقتی شویم. همدستم چون از گوشی همراه سر درمی آورد گفت که گوشی های سرقتی را با یک سوم قیمت از سارقان بخریم و بعد با کمی سود آن ها را از طریق سایت های اینترنتی به خریداران بفروشیم. مدتی از طریق خرید اموال سرقتی که بیشتر گوشی تلفن همراه بود پول برای همسرم فرستادم و او هم بی خبر از همه جا برای دخترمان جهیزیه خرید تا این که روزی با همدستم در حین خرید اموال مسروقه در یک خیابان دستگیر شدیم.

سارقان چطور گوشی های همراه را سرقت می کردند؟

همدستانم که ۲ نفر بودند مدام با موتورسیکلت در خیابان ها دور می زدند و با شناسایی طعمه ها در یک فرصت مناسب گوشی تلفن همراه شان را از چنگ شان درمی آوردند و خلاف مسیر خودروها فرار می کردند. آن ها با شگردهای مختلفی دست به سرقت می زدند. بعضی از مواقع پشت چراغ قرمز زمانی که طعمه را شناسایی می کردند که گوشی اش را پشت فرمان گذاشته و از طرفی شیشه خودرو پایین است، آهسته به او نزدیک می شدند و با برداشتن گوشی تلفن همراه برخلاف مسیر خودروها فرار می کردند تا مال باخته نتواند آن ها را تعقیب کند. بعضی از مواقع هم در داخل پیاده روها گوشی عابران پیاده ای را که بدون توجه به اطراف شان در حال صحبت بودند از دست شان می قاپیدند و با موتورسیکلت به سرعت پا به فرار می گذاشتند.

خانواده ات از ماجرای مالخری خبر دارند؟

اولین بار که به جرم مالخری زندانی شدم همسرم به شدت از این ماجرا ناراحت شد و تا مرز جدایی پیش رفت اما با زحمت و وعده تغییر و ابراز پشیمانی توانستم همسرم را به ادامه زندگی مشترک مان راضی کنم، اما الان همسرم و دخترم فکر می کنند من به خاطر مصرف مواد دستگیر و زندانی شده ام.

نمی دانم چطور این موضوع را به همسرم و از همه مهم تر به دخترم بگویم، اگر او بفهمد که تا الان مقداری از جهیزیه اش با پول دزدی خریداری شده است غوغا به پا می کند و علاوه بر آبروریزی احتمال این که زندگی مشترکش به هم بخورد، زیاد است چون گمان نمی کنم خانواده دامادم بعد از متوجه شدن قضیه با این موضوع کنار بیایند و نمی دانم از خجالت چطور با آن ها رو به رو شوم. بدجور در مخمصه افتاده ام و نه راه پس دارم و نه راه پیش و باید تاوانش را با زندانی شدن و حتی احتمالاً از دست دادن زندگی مشترک خودم و دخترم پس بدهم.

حرف آخر؟

دیگر پشیمانی برایم سودی ندارد. درست است که بیکار و دچار مشکل مالی شدم اما این راهش نبود که با یک اشتباه بزرگ بخواهم یک مشکل دیگر را حل کنم. از طرفی مال باختگان باید توجه داشته باشند، هنگامی که پشت فرمان خودرو هستند از یک طرف درها را قفل کنند و از طرفی شیشه های خودرو را بالا ببرند تا سارقان نتوانند از این فرصت سوء استفاده کنند و اموال شان را به یغما ببرند.

عابران پیاده هم باید هنگام صحبت با تلفن همراه در خیابان خیلی حواس شان به اطراف باشد و حتی الامکان از گوشی استفاده نکنند و مراقب راکبان موتورسیکلت و حتی زورگیرها که از پشت سر به آن ها نزدیک می شوند، باشند تا اموال شان را از دست ندهند.

دعوتنامه تشکیل مجمع عمومی عادی (نوبت اول)

جلسه مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی مسکن ارغوان سفید در روز جمعه مورخه ۱۴۰۰/۰۴/۲۵ ساعت ۱۰:۰۰ در محل نمازخانه جهاد کشاورزی شهرستان بجنورد، جنب مصلا برگزار می گردد. از کلیه اعضاء شرکت دعوت میشود جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در جلسه حضور به هم رسانند. در صورتی که حضور عضوی در مجمع میسر نباشد. میتواند حق رأی خود را به موجب وکالتنامه به عضو دیگر یا نماینده تام الاختیار خود واگذار نمایند. لیکن هیچ عضوی نمی تواند علاوه بر رأی خود بیش از ۳ رأی با وکالت داشته باشد.

دستور جلسه: ۱-گزارش هیئت مدیره از عملکرد سال های ۹۷، ۹۸ و ۹۹
۲-گزارش بازرس از عملکرد سال های ۹۷، ۹۸ و ۹۹
۳-طرح و تصویب صورتهای مالی سال های ۹۷، ۹۸ و ۹۹ شامل عملکرد، سود و زیان و ترازنامه
۴-انتخاب اعضای هیئت مدیره
۵-انتخاب اعضای هیئت تسویه

هیئت مدیره

۱۴۰۰۲۲۰۶۳/و

دعوتنامه تشکیل مجمع عمومی فوق العاده (نوبت اول)

جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت تعاونی مسکن ارغوان سفید در روز جمعه مورخه ۱۴۰۰/۰۴/۲۵ ساعت ۰۹:۰۰ در محل نمازخانه جهاد کشاورزی شهرستان بجنورد، جنب مصلا برگزار می گردد. از کلیه اعضاء شرکت دعوت می شود جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در جلسه حضور به هم رسانند. در صورتی که حضور عضوی در مجمع میسر نباشد. میتواند حق رأی خود را به موجب وکالتنامه به عضو دیگر یا نماینده تام الاختیار خود واگذار نمایند. لیکن هیچ عضوی نمی تواند علاوه بر رأی خود بیش از ۳ رأی با وکالت داشته باشد. **دستور جلسه:** ۱-تصمیم گیری در خصوص انحلال شرکت تعاونی مسکن ۲-گزارش هیئت مدیره

هیئت مدیره

۱۴۰۰۲۲۰۶۲/و